



نظام آموزشی نباید معطل بماند

با شروع مهر بحث بر سر این بود که اساساً دانشگاه‌ها و مدارس باز بشوند یا نشوند، چون به خاطر کرونا دانشگاه‌ها و مدارس مدت‌ها نیمه حضوری و نیمه تعطیل بودند و کسی حضور فیزیکی نداشت. پیش بینی‌ها هم این بود که چون عادت به حضور فیزیکی ندارند، ممکن است سر و صدا راه بیندازند. آقای رئیسی محکم ایستادند و گفتند نظام آموزشی نباید معطل بماند و به اندازه کافی توقف بوده است.

باید هر طوری که شده دانشگاه‌ها باز بشوند، دانشگاه‌ها که باز شدند، بعضاً در آنها شلوغی‌ها بی اتفاق افتاد



می‌دادم. حاج آقا گفتند: شما یک وظیفه به عنوان سخنگوی دولت دارید و یک امانت به اسم نظام دستتان هست. این صندلی که روی آن نشسته‌اید امانت است. تریبون امانت است و در امانت کوتاهی کردید. باید پاسخ می‌دادید و به این شکل هم باید پاسخ می‌دادید. یعنی حالت آموزشی هم داشت.

مثالی بود از اینکه ایشان مصالح ملی و مصلحت مردم را بر همه چیز اولویت می‌دادند.

احسنت. همیشه هم می‌دانستیم که اگر در چیزی مصالح کشور مطرح باشد و کوتاهی کنیم، حتماً مورد مواخذه ایشان قرار می‌گیریم. یعنی یقین داشتیم، به‌ویژه تاخیر در کار، فوق‌العاده روی تاخیر در کار حساس بودند.

و قانع‌شان کن. گفتیم: نمی‌توانم قانع‌شان کنم و نمی‌توانم رای بیآورم. پرسیدند: پس چه کار کنیم؟ گفتیم: من می‌روم دانشگاه و شما اگر لازم شد حمایت کنید. گفتند: برو. اگر آن اعتماد نبود، من هیچ وقت به دانشگاه نمی‌رفتم. گفتند: برو و گزارش را به خود من بده. من رفتم و یک مقداری هم شلوغ شد. گزارش را به ایشان دادم و گفتند: کار خوبی کردی. در جلسه هیئت دولت گلایه کردند که این کار درستی نبود و نباید انجام می‌شد. حاج آقا خصوصی به من گفتند: شل نشو. کارت درست بود و ادامه بده. نهاد رسمی ذی‌ربط به من اعلام کرده بود که به دانشگاه نرو. من چند بار دیگر به چند دانشگاه رفتم تا وقتی که در هیئت دولت بحث در گرفت که این سخنگو دارد تمرّد می‌کند و به دانشگاه می‌رود. اصل رفتن من با پشتوانه آقای رئیسی انجام می‌شد. در جایی که احساس کردند باید شفاف صحبت کرد، به میدان آمدند و گفتند: شما اشتباه می‌کنید که به دانشگاه نمی‌روید. یک نفر دارد کار درستی می‌کند و آن هم کسی است که به دانشگاه‌ها می‌رود و بقیه هم باید بروید. این به انسان اعتماد به نفس می‌داد.

از تجربه خودتان در این فرآیند بگویید.

الان نزدیک به سه سال است که سخنگوی دولت آقای رئیسی هستم. آقای رئیسی حتی یک بار در مورد خطای شخصی در سخنگویی از من گلایه نکردند. به من آموزش دادند، ولی گلایه نکردند. بعضی وقت‌ها در حالت شوخی و خنده به من گفته بودند که بهتر بود این سؤال را به این شکل مطرح می‌کردی. وقتی این کلام را به کار می‌برند، شما این طوری نگویید بهتر است. حاج آقا به من تذکر زیاد می‌دادند، ولی نه به خاطر خطاهایم، بلکه به خاطر کم‌کاری یا کوتاهی. یک وقت نرفته بودم کاری را انجام بدهم یا تاخیر کرده بودم و پاسخگو نبودم. اما وقتی خطا داشتم و ایشان متوجه می‌شدند که خطا و سهوی بوده، تذکر می‌دادند.

مثالی از این جنس می‌زنم. در یکی از دانشگاه‌ها انواع سئوالات را از من پرسیدند. در دانشگاه‌ها محدودیتی در پرسش نیست و برایشان دولت و غیر دولت هم فرقی نمی‌کند. سئوالی را مطرح کردند که ناظر به دولت ما نبود. من پاسخ ندادم و پیش‌خودم گفتم این پرسش ناظر به دولت ما نیست. حاج آقا این تکه را دیده بودند و گفتند فلان نکته را که دانشجوی مطرح کرد چرا جواب ندادید؟ گفتیم: نقد به دولت دیگری وارد بود، من چرا باید پاسخ می‌دادم؟ گفتند: آن اطلاعات غلط بود و متوجه کل نظام می‌شد. شما باید دفاع می‌کردید. فرمایش ایشان هم درست بود. اطلاعاتی که دانشجوی داشت می‌داد، اغراق آمیز و غلط بود. من اگر دولت خودمان بود دفاع می‌کردم و توضیح

هم تجربه نداشته باشند، ولی راحت‌تر و بی‌پروا تر حرف می‌زنند، خودشان را سانسور نمی‌کنند. یک وقت نکند اگر کسی در جایی تند حرف زده، برخورد تندی با او صورت بگیرد. مصداق را هم نگفتند، ولی کاملاً موضوع را به وزیر مربوطه منتقل کردند که متوجه بشود که حق ندارد برخورد بکند. در سطوح مختلف از جوان‌گرایی حمایت می‌کردند.

وقتی در مسیر اقداماتی که باید انجام می‌دادند، وارد می‌شدند، واقعی و جدی وارد می‌شدند. ایشان اصطلاحی داشتند و می‌گفتند: از ظرفیت‌ها پر استفاده کنیم. هم در حوزه انتصابات، هم در حوزه دفاع، کامل وارد می‌شدند. این موضوع به جوان اعتماد به نفس می‌دهد. مثل جوانی که وقتی می‌خواهد کاری را انجام بدهد، می‌داند که پدرش پشتش هست. آقای رئیسی به این شکل پشت جوانان دولت بود. ماجراهای شلوغی‌های سال گذشته که اتفاق افتاد.

اغتشاش‌های سال ۱۴۰۱؟

با شروع مهر بحث بر سر این بود که اساساً دانشگاه‌ها و مدارس باز بشوند یا نشوند، چون به خاطر کرونا دانشگاه‌ها و مدارس مدت‌ها نیمه حضوری و نیمه تعطیل بودند و کسی حضور فیزیکی نداشت. پیش بینی‌ها هم این بود که چون عادت به حضور فیزیکی ندارند، ممکن است سر و صدا راه بیندازند. آقای رئیسی محکم ایستادند و گفتند نظام آموزشی نباید معطل بماند و به اندازه کافی متوقف بوده است. باید هر طوری که شده دانشگاه‌ها باز بشوند. دانشگاه‌ها که باز شدند، بعضاً در آنها شلوغی‌هایی اتفاق افتاد.

در جلسه دولت گفتیم که باید برویم و در دانشگاه‌ها صحبت کنیم. متولیان حوزه‌های امنیتی و حتی خود دانشگاه‌ها و همین‌طور متولیان امور کلان ملی مخالف بودند. یک مقدار بحث شد و به جمع‌بندی نرسیدیم. بعد از جلسه هم تصمیم گرفتیم به دانشگاه برویم و شورای امنیت کشور مخالفت کرد. آنها و رؤسای دانشگاه‌ها معتقد بودند که اعضای دولت نباید به این قضیه ورود کنند و بهتر است بگذارند اوضاع مسیر خودش را طی کند. اعتقاد ما این بود که دانشجوی مطالبه و سؤال دارد. من رفتم خدمت حاج آقا و گفتم: آقایان این طور می‌گویند، ولی اعتقاد من این نیست. پرسیدند: دلیل چیست؟ استدلال کردم و گفتم: من این نسل را بهتر می‌شناسم. اینها نسل پیشرو هستند و اتفاقاً می‌توانند شعارهای انقلاب را با سرعت بیشتری پیش ببرند. اینها حق دارند. سؤال برایشان ایجاد شده. ۱۰ سال است که حرف‌هایی شنیده‌اند و مسیرهایی را رفته‌اند. خلاصه تحلیل را ارائه کردم. حاج آقا گفتند: درست می‌گویی. برو به شورای امنیت کشور

رئیس‌عزیز

ویژه‌نامه چهلمین روز عروج شهدای خدمت